

دیروز ذکر کردیم اوّل چیزی که برای انسان لازم تحرّی حقیقت است و در تحرّی حقیقت باید انسان آنچه را شنیده و از تقلید آباء و اجداد و یا اقتباس افکار است فراموش کند و جمیع ادیان روی زمین را باید یکسان بداند نه یکی تعلّق و نه از دیگری تنفّر داشته باشد تا بتواند تمییز دهد که کدام دین بحقیقت مقرون است چون تحرّی حقیقت کند لابدّ بحقیقت پی برد و ثانی اساس الهی وحدت انسانست یعنی جمیع بشر بندگان خداوند اکبرند خدا خالق کل است خدا رازق کل است خدا محیی کل است خدا مهربان بکل و جمیع بشر انسانند یعنی تاج انسانیت زینت هر سری و خلعت موهبت زیور هر بری کل بنده او هستند بجمیع مهربانست عنایت شامل کل است تفریق نمی‌فرماید که این مؤمن است یا آن مؤمن نیست راحم کل و رازق کل است این صفت رحمانیت الهیه است لهذا نمیتوانیم نفسی را بر نفسی ترجیح بدهیم زیرا خاتمه مجهول نهایت اینست

بعضی نفوس امثال اطفال ببلوغ نرسیده‌اند باید آنها را تربیت نمائیم تا ببلوغ برسند یا مریضند باید معالجه کنیم تا شفا یابند یا جاهلند باید تعلیم کنیم تا دانا شوند نباید آنها را بد بدانیم و نفرت از آنها داشته باشیم بلکه باید بآنها مهربان‌تر باشیم بجهة اینکه اطفالند مریضند نادانند

ملاحظه کنید در عالم وجود الفت سبب وجود است محبت سبب حیوة است جدائی سبب ممات است در جمیع کائنات نظر کنید مثلاً این چوب یا این سنگ عناصری ترکیب شده و یا اجزاء فردیه الفت پیدا کرده امتزاج نموده تا اینکه این چوب وجود یافته و این حجر هستی جسته اگر این الفت نبود در عدم بودند در میان عناصر و یا اجزاء فردیه الفت و ترکیب حاصل شده است که کائنات وجود یافته و چون این الفت بهم خورد این ترکیب تحلیل شود و متلاشی گردد و همچنین اجزاء فردیه الفت یافته و امتزاج کرده و این عناصر ارتباط و اجتماع نموده تا انسان پیدا شده و چون این عناصر تحلیل و در این اجزاء تفریق حاصل شود جسد انسان متلاشی گردد

پس معلوم شد که الفت و محبت سبب حیوة است و نفرت و جدائی سبب ممات و در جمیع کائنات الفت سبب حیوة است و کلفت سبب موت پس نوع بشر بندگان الهی باید الفت و محبت با همدیگر نمایند و از کلفت و بغض و عداوت نفرت کنند ملاحظه نمائید حیوانات مبارکه در نهایت الفتند لکن حیوانات درنده مثل گرگ و پلنگ و کفتار در نهایت استیحا شبتنهائی زندگانی مینمایند دو گرگ نر در یک مغاره مأوی نمیکند اما هزار گوسفند در یک جا اجتماع مینمایند دو باز و شاهین در یک آشیانه منزل نمیکند لکن هزار کبوتر در یک لانه مأوی جویند اینها حیوانات مبارکه هستند پس الفت و محبت دلیل بر مبارکیست و کلفت دلیل بر درندگی

باری مقصود اینست که حضرت بهاءالله اعلان وحدت عالم انسانی فرموده تا جمیع افراد بشر با هم برادر و خواهر و دختر و مادر و پسر و پدر باشند امیدم چنانست که شما تعلیم بهاءالله را در خصوص وحدت عالم انسانی مجری میدارید حضرت بهاءالله میفرماید اگر خدا نکرده شما دشمنی داشته باشید او را دشمن نبینید دوست ببینید بدوست چگونه لازم است معامله کردن بدشمن همان معامله را مجری دارید این تأکید را بجهة این میفرماید تا اینکه الفت میانه جمیع بشر حاصل شود خدا شماها را تأیید کند